

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کوثر قرآن

تفسیر سوره‌های
کوثر و قدر

محمّد قرائتی

تفسیر پوره

یس

محسن قرائتی

شناسنامه

سخن ناشر

مؤسسه فرهنگی درسهایی از قرآن که در سال ۱۳۷۵ تأسیس شده و در مسیر نشر آثار حجّت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی فعالیت می‌کند، افتخار دارد که تا حدودی توانسته است در مسیر فرهنگ‌سازی جامعه به فرهنگ غنی قرآن و معارف قرآنی، اقداماتی را انجام دهد.

در این راستا و با توجّه به استقبال مردم قرآن دوست کشورمان از ارائه تفاسیر سوره‌های حجرات، یوسف، لقمان، اسراء، قصص، عنکبوت، یس و محمد که به صورت مجزاً و در قطع کوچک و پالتویی به چاپ رسیده بود، بر آن شدیم تا در آستانه میلاد حضرت زهراء علیها السلام تفسیر سوره‌های کوثر و قدر که هر دو سوره به نوعی در ارتباط با آن بانوی بزرگوار است را با نام «کوثر قرآن» به جامعه تقدیم کنیم.

امید آن داریم که خوانندگان محترم با ارسال نظرات و پیشنهادات سازنده خود، به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۴۱۸۵/۵۸۶ راهنمای ما باشند.

مؤسسه فرهنگی درسهایی از قرآن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبيتنا محمد
و اهل بيته المعصومين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين»

با چند مقدمه وارد تفسیر سوره کوثر می شویم:

مقدمه اول

رسم ما در تفسیر نور که در دوازده جلد طراحی شد، بر اختصار و فشرده گویی بود، ولی از آنجا که کوثر به معنای خیر زیاد است، در تفسیر سوره کوثر با فضل الهی خیر زیاد بهره ما شد و حیفم آمد که خوانندگان کوثر را از این خیر کثیر محروم کنم و لذا بر خلاف سبک معمول، این سوره را به تفصیل تفسیر می کنم تا خوانندگان بدانند قرآن به قدری عمیق است که هر چه بیشتر در آن تدبیر شود، لطائف و نکات و درسهای بیشتری از آن گرفته می شود و بدانند که احدى نمی تواند بگوید حرف اول و آخر را در تفسیر من گفته یا می گویم. زیرا قرآن، شجره مبارکه ای است که هر کس شاخه ای از آن را تکان دهد، میوه تازه ای دریافت خواهد کرد.

مقدمه دوم

از آغاز، اسلام طرفدار علم، عدالت، حقیقت و مخالف جهل، شرک و ظلم بوده است و با مخالفان قدیمی همچون ابوجهل‌ها و ابولهب‌ها و مخالفان امروزی همچون ابرقدرت‌ها روبرو بوده و هست و خواهد بود، ولی علی‌رغم تمام کینه‌ها و عداوت‌ها و کارشکنی‌ها، هر روز بر جلوه و عظمت آن افزوده شده است. مهم‌ترین حربه دفاعی اسلام در برابر مخالفان دیروز و امروز این بوده که اعلام کرده اگر می‌توانید کتابی مثل قرآن بیاورید: ﴿فَأْتُوا بِكِتَابٍ﴾^(۱) و در مرحله دیگر فرمود: لا اقل ده سوره مثل قرآن بیاورید: ﴿فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ﴾^(۲) و در مرحله دیگر فرمود: اگر می‌توانید یک سوره مثل قرآن بیاورید. ﴿فَأْتُوا بِسُورَةٍ﴾^(۳)

از سوی دیگر کوچک‌ترین سوره‌ی قرآن سوره کوثر است که تعداد کلمات آن ده کلمه است. پس قرآن از تمام مخالفان سوگند خورده خود که در طول بیش از چهارده قرن از هیچ توطئه و تجاوزی بر ضد اسلام کوتاهی نکرده و نمی‌کنند و در هر سال بخشی از بودجه‌ها و امکانات و تبلیغات خود را برای مبارزه با اسلام و مسلمین تخصیص می‌دهند، درخواست کرده که اگر سوره‌ای حتی مثل سوره کوثر بیاورید، من دست از تمام حرف‌هایم برمی‌دارم. پس باید ببینیم در این سوره و چند کلمه، چه راز و رمزی نهفته است.

مقدمه سوم

اینجانب با توجه به کمی سرمایه علمی، تنها با مطالعه دقیق و جدی این سوره، به نکات بسیاری دست یافتم و امیدوارم دیگران با مطالعات خود به آن بیافزایند. البته علاوه بر چند تفسیری که در نوشتن تفسیر نور مطالعه شده، از تفسیر سوره کوثر عالم لبنانی سید جعفر مرتضی و یادداشت‌های دو برادر فاضل و مخلص حجج اسلام دهشیری و جعفری نیز بهره‌ها بردم که از خداوند متعال توفیقات این عزیزان را خواهانم.

محسن قرائتی

تفسیر سورہ

نور

سیمای سوره کوثر

این سوره سه آیه دارد و در مکه نازل شده و کوچک‌ترین سوره قرآن کریم است.

نام سوره برگرفته از آیه اول است و به معنای خیر کثیر و فراوان می‌باشد.

بر اساس روایات متعدّد از شیعه و سنی، عاص بن وائل، پدر عمرو عاص که از بزرگان مشرکان مکه بود، پس از آنکه پسران پیامبر از دنیا رفتند و آن حضرت دیگر پسری نداشت، از روی طعنه و زخم زبان، پیامبر را ابتر و بدون دنباله خواند.

خداوند برای تسلی خاطر پیامبر و پاسخ به این سخن نابجا، سوره کوثر را نازل فرمود و ناکام بودن دشمنان و دوام و بقای نسل و فکر پیامبر را خبر داد.

در روایات، برای کسی که این سوره را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، سیراب شدن از حوض کوثر در قیامت، وعده داده شده است.^(۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿ ۲ ﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ

﴿ ۳ ﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. پس برای

پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. همانا

دشمن تو بی نسل و دم بریده است.

نکته‌ها:

□ آنجا که خداوند در مقام دعوت به توحید است، ضمیر مفرد

به کار می‌برد، همانند ﴿أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^(۵) پروردگار

شما من هستم، پس مرا عبادت کنید. ﴿أَنَا رَبُّكُمْ

فَاتَّقُونِ﴾^(۶) من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید. ﴿أَنْتَ

أَنَا اللَّهُ﴾^(۷) همانا من خداوند یکتا هستم.

همچنین در مواردی که خداوند کاری را بدون واسطه انجام

می‌دهد یا در مقام بیان ارتباط تنگاتنگ خالق با مخلوق

است، ضمیر مفرد به کار می‌رود، همانند: ﴿وَأَنَا الْغَفُورُ

الرَّحِيمُ﴾^(۸) تنها من بخشنده مهربانم. ﴿فَأَنْتَ قَرِيبٌ﴾^(۹)

من به بندگانم نزدیکم.

اما گاهی آیه در مقام بیان عظمت خداوند و شرافت نعمت

است که در این موارد ضمیر جمع همچون «إِنَّا» به کار می‌رود، چنانکه در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّا اعطیناک الکوثر﴾ زیرا عطای الهی به بهترین خلق خدا، آن هم عطای کوثر، به گونه‌ای است که باید با عظمت از آن یاد شود.

همچنین در مواردی که خداوند کاری را با واسطه انجام می‌دهد، نظیر باران که با واسطه تابش خورشید و پیدایش بخار و ابر می‌بارد، از ضمیر جمع استفاده می‌شود، چنانکه می‌فرماید: ﴿وانزلنا من السماء ماء﴾^(۱۰) ما از آسمان آبی فرو فرستادیم.

■ از میان یکصد و چهارده سوره قرآن، چهار سوره با کلمه «إِنَّا» آغاز شده است: سوره‌های فتح، نوح، قدر و کوثر. ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ ما برای تو پیروزی آشکار قرار دادیم.

﴿إِنَّا ارسلنا نوحًا﴾ ما نوح را به سوی مردم فرستادیم. ﴿إِنَّا انزلناه فی لیلة القدر﴾ ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

﴿إِنَّا اعطیناک الکوثر﴾ ما به تو کوثر عطا کردیم. در آغاز یکی از این چهار سوره، از حضرت نوح که اولین پیامبر اولوا العزم است و بعد از حضرت آدم، پدر دوم انسان محسوب می‌شود، سخن به میان آمده است. در آغاز سه سوره دیگر، به نعمت‌های ویژه‌ای همچون نزول قرآن، پیروزی آشکار و عطای کوثر، اشاره شده است. شاید میان این چهار موضوع ارتباطی باشد که یکی رسالت اولین پیامبر

اولوا العزم، دیگری نزول آخرین کتاب آسمانی، سوّمی پیروزی مکتب اسلام و چهارمی تداوم خط رسالت و ابتر نماندن آن را بیان می‌کند.

■ کلمه «کوثر» از «کثرت» گرفته شده و به معنای خیر کثیر و فراوان است. و روشن است که این معنا می‌تواند مصادیق متعدّدی همچون وحی، نبوّت، قرآن، مقام شفاعت، علم کثیر و اخلاق نیکو داشته باشد، ولی آیه آخر سوره، می‌تواند شاهدهی بر این باشد که مراد از کوثر، نسل مبارک پیامبر اکرم است. زیرا دشمن کینه‌توز با جسارت به پیامبر، او را ابتر می‌نامید و خداوند در دفاع از پیامبرش فرمود: ﴿انّ شانک هو الایتر﴾ دشمن تو، خود ابتر است. بنابراین اگر مراد از کوثر، نسل نباشد، برای ارتباط آیه اول و سوم سوره، توجیه و معنایی دل‌پسند نخواهیم داشت.

■ کلمه «ایتر» در اصل به حیوان دم بریده و در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که نسلی از آنان به یادگار باقی نمانده باشد. از آنجا که فرزندان پسر پیامبر در کودکی از دنیا رفتند، دشمنان می‌گفتند: او دیگر عقبه و نسلی ندارد و ابتر است. زیرا در فرهنگ جاهلیّت دختر لایق آن نبود که نام پدر را زنده نگاه دارد. بنابراین جمله ﴿انّ شانک هو الایتر﴾ دلیل آن است که مراد از کوثر، نسل کثیر پیامبر است که بدون شک از طریق حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد.

■ این نسل پر برکت از طریق حضرت خدیجه نصیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شد. آری خدیجه مال کثیر داد و کوثر گرفت. ما نیز تا از کثیر نگذریم به کوثر نمی‌رسیم.

□ فخررازی در تفسیر کبیر می‌گوید: چه نسلی با برکت‌تر از
 نسل فاطمه که مثل باقر و صادق و رضا از آن برخاسته است
 و با آنکه تعداد بسیاری از آنان را در طول تاریخ، به خصوص
 در زمان حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس شهید کردند، اما باز
 هم امروز فرزندان او در اکثر کشورهای اسلامی گسترده‌اند.
 □ در زمانی که خیر تولد دختر سبب اندوه پدر می‌شد، به گونه
 ای که صورتش از غصه سیاه گشته و به فکر فرو می‌رفت که
 از میان مردم فرار کند یا دخترش را زنده به گور کند:
 «یتواری من القوم ام یدُسه فی التراب»^(۱۱) در این زمان
 قرآن به دختر لقب کوثر می‌دهد تا فرهنگ جاهلی را به
 فرهنگ الهی و انسانی تبدیل کند.

□ بر اساس روایات، نام یکی از نهرها و حوض‌های بهشتی،
 کوثر است و مؤمنان از آن سیراب می‌شوند. چنانکه در روایت
 متواتر ثقلین نیز پیامبر فرمود: «أنتها لن یفترقا حتی یردا
 علیّ الحوض» کتاب و عترت از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا
 آنکه در قیامت، در کنار حوض به من ملحق شوند.

□ کوثر الهی، به جنسیت بستگی ندارد؛ فاطمه، دختر بود اما
 کوثر شد. به تعداد کثیر بستگی ندارد؛ فاطمه، یک نفر بود اما
 کوثر شد. آری خداوند می‌تواند کم را کوثر و زیاد را محو کند.
 □ خداوند از اولیای خود دفاع می‌کند. به کسی که پیامبر را
 بی‌عقبه می‌شمرد، پاسخ قوی و عملی می‌دهد. وجود فاطمه
 پاسخ عملی و جمله «هو الا بتر» پاسخ قوی است. خداوند
 نه تنها از اولیای خود، بلکه از همه مؤمنان دفاع می‌کند: «انّ
 الله یدافع عن الذین آمنوا»^(۱۲)

■ هدیه کننده خداوند، هدیه گیرنده پیامبر و هدیه شده فاطمه است. لذا عبارت ﴿إِنَّا اعطيناك الكوثر﴾ به کار رفته که بیانگر عظمت خداوند و بزرگی هدیه اوست.

■ هر چه ضربه به دین و مقدّسات دینی شدیدتر باشد، دفاع هم باید قوی تر باشد. به پیامبر اسلام جسارت‌های زیادی کردند و او را ساحر، کاهن، شاعر و مجنون خواندند که همه آنها به نحوی در قرآن جبران شده است.

به پیامبر گفتند: ﴿أَنْتَ مَجْنُونٌ﴾^(۱۳) تو جنّ زده‌ای، ولی خداوند فرمود: ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٌ﴾^(۱۴) به لطف الهی تو مجنون نیستی.

به آن حضرت گفتند: ﴿لَسْتَ مُرْسَلًا﴾^(۱۵) تو فرستاده خدا نیستی، خداوند فرمود: ﴿أَنْتَ لِمَنِ الْمُرْسَلِينَ﴾^(۱۶) قطعاً تو از پیامبرانی.

به حضرت نسبت شاعری و خیالبافی دادند: ﴿لشاعر مجنون﴾^(۱۷) خداوند فرمود: ﴿وَمَا عَلَّمْنَا الشَّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ﴾^(۱۸) ما به او شعر نیاموختیم و برای او سزاوار نیست.

گفتند: این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازار راه می رود: ﴿وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ﴾^(۱۹) خداوند فرمود: پیامبران پیش از تو نیز غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا أَنَّهُمْ لِيَأْكُلُوا الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ﴾^(۲۰)

به آن حضرت ابتر گفتند، خداوند فرمود: ﴿إِنَّ شَأْنَكَ هُوَ

الابتراء.

آری، پاسخ کسی که به اشرف مخلوقات ابتر بگوید، آن است که خداوند به او کوثری عطا کند که چشم همه خیره و عقل همه میبهوت شود.

■ خداوند مصداقی برای کوثر در آیه نیاورد تا همچنان مبهم بماند تا شاید اشاره به این باشد که عمق برکت کوثر عطا شده حتی برای خود پیامبر اکرم در حاله‌ای از ابهام است.

■ در این سوره دو خبر غیبی نهفته است: یکی عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکه‌ای که حضرت دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت‌های بسیار بود.

■ تاریخ و آمار بهترین شاهد بر کوثر بودن این عطیه الهی است. هیچ نسلی از هیچ قومی در جهان، به اندازه نسل حضرت فاطمه علیها السلام رشد و شکوفایی نداشته است. خصوصاً اگر کسانی را که مادرشان سید است، از سادات به حساب آوریم، آمار سادات در جهان نشانه معجزه این خبر غیبی است.

■ عطا کردن کوثر به شخصی مثل پیامبر، زمانی معنا دارد که عطا کننده سرچشمه علم و حکمت و قدرت و رحمت باشد. بنابراین عطای کوثر نشانه صفات و کمالات الهی است.

■ در این سوره که سه جمله بیشتر ندارد، پنج بار شخص پیامبر مورد خطاب قرار گرفته است.

زیرا علاوه بر ضمیر کاف «ك» «اعطیناک»، در خطاب «صلّ» و «لربك» دو بار و در عبارت «انحر» و «شانتک» نیز دو بار،

پیامبر مخاطب است. ﴿اعطیناک، فصل، لربک، انحر، شانتک﴾

در سراسر قرآن نیز، بیش از دویست و چهل بار خداوند به پیامبرش می‌فرماید: ﴿ربک﴾

با آن که او پروردگار تمام هستی: ﴿رب کل شیء﴾^(۲۱) و پروردگار همه‌ی مردم است: ﴿رب الناس﴾^(۲۲)، ولی از میان واژه‌های «رب» کلمه «ربک» بیش از همه به کار رفته و این نشانه آن است که خداوند بر پیامبرش عنایت خاصی دارد.

چنانکه نمونه این عنایت ویژه را در آیات دیگر نیز مشاهده می‌کنیم، مثلاً خداوند نام اعضا و جوارح پیامبر را در قرآن مطرح کرده است: چهره‌ات: ﴿وجهک﴾^(۲۳)، زبانت: ﴿لسانک﴾^(۲۴) چشمانت: ﴿عینیک﴾^(۲۵) گردنت: ﴿عنقک﴾^(۲۶) دستانت: ﴿یدک﴾^(۲۷) سینه‌ات: ﴿صدرک﴾^(۲۸) کمرت: ﴿ظهرک﴾^(۲۹)

□ الطاف خداوند به پیامبر اسلام ﷺ، گاهی با درخواست آن حضرت صورت گرفته است، نظیر ﴿قل رب زدنی علماً﴾^(۳۰) پروردگارا! مرا از نظر علمی توسعه بده. اما کوثر هدیه‌ای الهی بود که بدون درخواست، به پیامبر عزیز داده شد.

کوثر چیست؟

از آیه آخر سوره که می‌فرماید: ﴿ان شانتک هو الابتر﴾ استفاده می‌شود که مراد از کوثر چیزی ضد ابتر است و از آنجا

که عرب به افراد بی عقبه و بی نسل که فرزند پسر ندارند و با مردن، آثارشان محو می شود، ابتر می گوید، بهترین مصداق برای کوثر، ذریه پیامبر است که امامان معصوم از نسل فاطمه می باشند. البته کوثر، معنایی عام دارد و شامل هر خیر کثیری می شود.

■ اگر مراد از کوثر، علم باشد، همان چیزی است که پیامبر مأمور به خواستنش بود. ﴿قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

اگر مراد از کوثر اخلاق نیک باشد، پیامبر دارای خلق عظیم بود. ﴿أَنْتَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ﴾^(۳۱)

اگر مراد از کوثر عبادت باشد، حضرتش به قدری عبادت می کرد که آیه نازل شد: ما قرآن را نفرستادیم تا این گونه خود را به مشقت اندازی. ﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ﴾^(۳۲)

اگر مراد از کوثر نسل کثیر باشد که امروزه بیشترین نسل از اوست.

اگر مراد از کوثر امت کثیر باشد، طبق وعده الهی اسلام بر تمام جهان غالب خواهد شد. ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^(۳۳)

اگر مراد از کوثر شفاعت باشد، خداوند تا جایی که پیامبر راضی شود از امت او می بخشد. ﴿وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾^(۳۴)

■ کوثر، امری دنیایی نیست و چیزی فراتر از نان، نام، مقام و جلوه های دنیوی است. زیرا قرآن دنیا را قلیل^(۳۵) و ناپایدار^(۳۶) نامیده است.

■ هر کثیری کوثر نیست. قرآن می‌فرماید: اموال و اولاد مخالفان، شما را به تعجب و اندازد، زیرا که خداوند اراده کرده آنان را در دنیا از طریق همان اموال و اولاد عذاب کند. ﴿فلا تعجبك اموالهم و لا اولادهم انما يريد الله ليعذبهم بها في الحياة الدنيا﴾^(۳۷)

■ در قرآن سوره‌ای به نام کوثر داریم و سوره‌ای به نام تکاثر. اما کوثر ارزش است و تکاثر ضد ارزش، زیرا اولی عطیه الهی است که دنباله‌اش ذکر خداست: ﴿اعطيناك الكوثر فصل﴾ و دومی یک رقابت منفی که دنباله‌اش غفلت از خداست. ﴿الهاکم التکاثر﴾

کوثر ما را به مسجد می‌برد برای نماز: ﴿فصل لربک﴾ و تکاثر ما را به گورستان می‌برد برای سرشماری مردگان. ﴿حتی زرت المقابر﴾

در عطای کوثر بشارت است: ﴿انا اعطيناك الكوثر﴾ و در تکاثر تهدیدهای پی در پی. ﴿کلا سوف تعلمون ثم کلا سوف تعلمون﴾

کوثر، عامل رابطه با خالق است: ﴿اعطيناك الكوثر فصل﴾ و تکاثر، وسیله‌ای برای سرگرمی با مخلوق. ﴿الهاکم التکاثر﴾

■ کوثر که بزرگ‌ترین هدیه الهی است در کوچک‌ترین سوره قرآن مطرح شده است.

■ هدیه اشرف معبود به اشرف مخلوق چیزی جز کوثر نمی‌تواند باشد. ﴿انا اعطيناك الكوثر﴾

■ در ماجرای فتح مکه که مشرکان دسته دسته و فوج فوج به

اسلام وارد می‌شدند، خداوند تنها دستور تسبیح می‌دهد: ﴿رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ﴾ ولی برای عطا کردن کوثر می‌فرماید: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ﴾ نماز بگزار. گویا اهمیت کوثر از اسلام آوردن مشرکان بیش تر است.

■ عطای استثنایی در سوره استثنایی با الفاظ استثنایی:

عطا بی نظیر است، چون کوثر است؛ سوره بی نظیر است، چون کوچک‌ترین سوره قرآن است و الفاظ بی نظیرند، چون کلمات «اعطینا»، «الکوثر»، «صلِّ»، «انحر»، «شانتک» و «ابتر» تنها در این سوره به کار رفته و در هیچ کجای قرآن شبیه ندارد.

■ هر زخم زبان و کلامی وزنی دارد. به شخص پیامبر اکرم توهین‌ها شد، کلماتی از قبیل مجنون، شاعر، کاهن و ساحر به او گفتند و به یاران او نیز توهین‌ها شد تا آنجا که گفتند: این بیچارگان را از خود دور کن تا ما دور تو جمع شویم. برای هیچ کدام سوره ای مستقل نازل نشد، اما در نسبت ابتر دادن یک سوره نازل شد که خیر کثیر به تو عطا کردیم و دشمن تو ابتر است و این به خاطر آن است که جسارت به شخص و یاران قابل تحمل است، اما جسارت به راه و مکتب که او ابتر و راه او گذرا و بی آینده است، قابل تحمل نیست.

■ گاهی جسارت برخاسته از لغوگویی است که باید با کرامت

از کنارش گذشت. ﴿إِذَا مَرَّوَا بِاللُّغُو مَرَّوَا كَرَامًا﴾

گاهی جسارت به خاطر جو فاسد و دوستان ناباب است، که باید از آنان اعراض کرد. ﴿إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي

آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ﴾^(۳۸)

اما گاهی جسارت به مکتب و رهبر است، آن هم از سوی افراد سرشناس و سیاسی که باید جواب سخت به آن داده شود. ﴿انّ شانك هو الابر﴾ همان گونه که منافقان از روی غرور می گفتند: آیا ما مثل افراد بی خرد به پیامبر ایمان بیاوریم. ﴿انؤمن كما آمن السفهاء﴾ قرآن، جسارت اینگونه افراد را چنین پاسخ می دهد: ﴿الا انهم هم السفهاء و لكن لا يعلمون﴾^(۳۹) آنان خود بی خردند ولی نمی دانند!

■ شتر در قرآن، هم در بحث توحید مطرح شده است: ﴿أفلا ينظرون الى الابل كيف خلقت﴾^(۴۰) هم در مورد مقدمات قیامت نام آن آمده است، ﴿و اذا العشار عطّلت﴾^(۴۱) هم در احکام و شعائر حج مطرح شده است، ﴿و الابدن جعلناها﴾^(۴۲) و هم مورد قربانی و کمک رسانی به جامعه قرار گرفته است. ﴿وانحر﴾

■ بر اساس روایات، مراد از ﴿وانحر﴾ آن است که به هنگام گفتن تکبیرها در نماز، دستان تا مقابل گودی زیر گلو که محلّ نحر است، بالا آورده شود که این زینت نماز است.^(۴۳)

■ بر اساس روایات، آن دشمن کینه توزی که به پیامبر اکرم جسارت کرد و او را ابر خواند، پدر عمرو عاص بود.

■ خداوند هم سبب ساز است هم سبب سوز. او می تواند از یک فاطمه کوثر بیافریند و می تواند افرادی را که پسران رشید دارند به فراموشی بسپارد.

او می تواند دریا را با زدن عصای موسی خشک کند. ﴿اضرب بعصاك البحر فانقلب﴾^(۴۴) و می تواند با زدن همان عصا به سنگ، دوازده چشمه جاری سازد. ﴿و

پیام‌ها:

۱- خداوند به وعده‌های خود عمل می‌کند. در سوره ضحی، خداوند وعده‌ی عطا به پیامبر داده بود: ﴿و لسوف یعطیک ربّک فترضی﴾^(٤٦) پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره می‌فرماید: ما به آن وعده عمل کردیم. ﴿انا اعطیناک الکوثر﴾

۲- فرزند و نسل عطیه الهی است. ﴿انا اعطیناک الکوثر﴾

۳- توجه و عنایت به زبردستان، شرط مدیریت و رهبری است. ﴿انا اعطیناک الکوثر﴾

۴- نعمت‌ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت آور است. ﴿اعطیناک... فصل﴾

۵- در قرآن به نماز یا سجده شکر سفارش شده است. ﴿فصل﴾

۶- تشکر باید فوری باشد. ﴿فصل﴾ (حرف فاء برای تسریع است)

۷- نوع تشکر را باید از خدا بیاموزیم. ﴿فصل﴾

۸- در نعمت‌ها و شادی‌ها خداوند را فراموش نکنیم.

﴿اعطیناک الکوثر فصل﴾

۹- آنچه می‌تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد، نماز است. ﴿فصل﴾

(نماز جامع‌ترین و کامل‌ترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود. مسح سر و پا نیز شاید اشاره به آن باشد که انسان از سر تا پا بنده اوست. در نماز بلندترین نقطه بدن که پیشانی است، روزی سی و چهار بار بر زمین ساییده می‌شود تا در انسان تکبری باقی نماند. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه معروف خود فرمود: فلسفه و دلیل نماز پاک شدن روح از تکبر است. «تزیهاً لکم من الکبر».)

۱۰- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند، دین هم به همان فرمان می‌دهد. ﴿فصل لربک﴾

۱۱- چون عطا از اوست: ﴿اتأ اعطینا﴾ تشکر هم باید برای او باشد. ﴿فصل لربک﴾

۱۲- قربانی کردن، یکی از راههای تشکر از نعمت‌های الهی است. (زیرا محرومان به نوایی می‌رسند.) ﴿و انحر﴾

۱۳- هر که بامش بیش برفش بیشتر. کسی که کوثر دارد، ذبح گوسفند کافی نیست باید شتر نحر کند و بزرگترین حیوان اهلی را فدا کند. ﴿و انحر﴾

۱۴- رابطه با خداوند بر رابطه با خلق مقدم است. ﴿فصل... و انحر﴾

۱۵- انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد.

﴿فصل لربك وانحر﴾

۱۶- شکر عطا گرفتن از خداوند، عطا کردن به مردم

است. ﴿اعطیناک الکوثر... وانحر﴾

۱۷- نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد، ﴿لربک﴾ و

انفاقی ارزش دارد که سخاوت‌مندانه باشد. ﴿وانحر﴾

۱۸- دشمنان پیامبر و مکتب او ناکام هستند. (کلمه

شائعی اسم فاعل است و شامل هر دشمنی در گذشته

و حال و آینده می‌شود. اگر می‌گفت: «من شانک هو

الابتر» تنها کسانی را که در گذشته دشمنی کرده‌اند

شامل می‌شد و اگر می‌گفت: «من یشونک هو الابتر»

تنها دشمنان آینده را در برمی‌گرفت. ﴿انّ شانک هو

الابتر﴾.

۱۹- توهین به مقدّسات، توبیخ و تهدید سخت دارد.

﴿انّ شانک هو الابتر﴾

۲۰- از متلک‌ها و توهین‌ها نهراسیم که خداوند

طرفداران خود را حفظ می‌کند. ﴿انّ شانک هو

الابتر﴾

۲۱- زود قضاوت نکنیم و تنها به آمار و محاسبات تکیه

نکنیم که همه چیز به اراده خداوند است. (مخالفان،

با مر پسر پیامبر و داشتن پسران متعدّد برای خود،

قضاوت کردند که پیامبر ابتر است، ولی همه چیز

برعکس شد.) ﴿انا اعطیناک الکوثر... انّ شانک هو

الابتر﴾

تفسیر سوره

قدر

سیمای سوره قدر

سوره قدر در مکه نازل شده و همانند دیگر سوره‌های مکی، آیاتش کوتاه و موزون است. این سوره با اشاره به نزول قرآن در شب قدر آغاز و با بیان اهمیت شب قدر نزد خداوند و برتری آن بر هزار ماه ادامه می‌یابد و با سلام و درود الهی در آن شب پایان می‌پذیرد.

روایات متعددی در فضیلت تلاوت این سوره بعد از سوره حمد در نماز وارد شده است و به کسی که آن را در نماز واجب بخواند خطاب می‌شود: «غفر الله لك ما مضى فاستأنف العمل»^(۴۷) خداوند گذشته تو را بخشید، از نو آغاز کن.

امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که در زیارت قبور مؤمنین، سوره قدر را هفت مرتبه بخواند، خداوند آن مردگان و کسی که این سوره را تلاوت کرده است، می‌آمرزد.^(۴۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

همانا ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

نکته‌ها:

- خداوند، امور عالم را از طریق فرشتگان و با واسطه آنان به انجام می‌رساند. لذا در بسیاری از آیات قرآن، فعل‌ها و ضمیرهای مربوط به خداوند به صورت جمع آمده است. چنانکه در آغاز این سوره می‌فرماید: ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ﴾ ما قرآن را نازل کردیم.
- بر اساس نظر مفسران،^(۴۹) قرآن دو بار نازل شده است. یکبار به صورت یکپارچه در شب قدر که این سوره به آن اشاره دارد و بار دیگر به صورت تدریجی در مدت بیست و سه سال دوره رسالت پیامبر. تعبیرات قرآن نیز درباره نزول این کتاب آسمانی دو گونه است. برخی با واژه ﴿ انزلنا ﴾ از ریشه انزال به معنای نزول دفعی آمده و برخی دیگر با واژه ﴿ نزلنا ﴾ از ریشه تنزیل به معنای نزول تدریجی آمده است.
- از انضمام آیه ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴾ با آیه ﴿ شهر رمضان الَّذِي أَنْزَلْنَا فِيهِ الْقُرْآنَ ﴾^(۵۰) معلوم می‌شود که شب

قدر در ماه رمضان است، اما اینکه کدام یک از شب‌های ماه رمضان است، در قرآن چیزی بر آن دلالت ندارد و در روایات نیز به صورت مردّد میان یکی از سه شب آمده است. چنانکه از امام صادق علیه السلام در مورد شب قدر پرسیدند: آن حضرت فرمود: در شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم رمضان جستجویش کن. ^(۵۱) البته معروف میان اهل سنت آن است که شب بیست و هفتم رمضان، شب قدر است.

پیام‌ها:

- ۱- شب قدر، شب شکرگزاری و تشکر از خداوند است. زیرا مهم‌ترین نعمت خداوند بر بشر، یعنی قرآن نازل شده است. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾
۲- ظرف و مظهر باید متناسب باشند. بهترین کتاب در بهترین شب بر بهترین انسان‌ها نازل می‌شود. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾

﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۳﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ
مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است.

نکته‌ها:

□ کلمه «قدر» در قرآن، در چند معنا به کار رفته است:
الف) مقام و منزلت. چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾ ^(۵۲) آن گونه که باید، مقام و منزلت الهی را نشناختند.

ب) تقدیر و سرنوشت. چنانکه می‌فرماید: ﴿جئت علی قدر یا موسی﴾^(۵۳) ای موسی تو بنا بر تقدیر (الهی به این مکان مقدس) آمده‌ای.

ج) تنگی و سختی. چنانکه می‌فرماید: ﴿و من قدر علیه رزقه...﴾^(۵۴) کسی که رزق و روزی بر او تنگ و سخت شود...

دو معنای اول در مورد ﴿لیلة القدر﴾ مناسب است، زیرا شب قدر، هم شب با منزلتی است و هم شب تقدیر و سرنوشت است.

□ هستی، حساب و کتاب و قدر و اندازه دارد. ﴿و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم﴾^(۵۵) هیچ چیز نیست مگر آنکه خزانه آن نزد ماست و جز به مقدار تعیین شده فرو نمی‌فرستیم. حتی مقدار نزول باران از آسمان حساب شده است. ﴿و انزلنا من السماء ماء بقدر﴾^(۵۶) نه تنها باران، بلکه هر چیز نزد او اندازه دارد. ﴿و کل شیء عنده بمقدار﴾^(۵۷) چنانکه خورشید و ماه، از نظر حجم و وزن و حرکت و مدار آن حساب و کتاب دقیق دارد. ﴿و الشمس و القمر بحسبان﴾^(۵۸)

□ خداوند در شب قدر، امور یک سال را تقدیر می‌کند، چنانکه قرآن در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿فیها یفرق کل امر حکیم﴾^(۵۹) در آن شب، هر امر مهمی، تعیین و تقدیر می‌شود. بنابراین، شب قدر منحصر به شب نزول قرآن و عصر پیامبر نیست، بلکه در هر رمضان، شب قدری هست که امور سال آینده تا شب قدر بعدی، اندازه‌گیری و مقدر

می‌شود.

■ بیدار بودن شب قدر و احیای آن با دعا و نماز و قرآن، مورد سفارش پیامبر و اهل بیت آن حضرت بوده است و در میان سه شب، بر شب بیست و سوم تأکید بیشتری داشته‌اند. چنانکه شخصی از پیامبر پرسید: منزل ما از مدینه دور است، یک شب را معین کن تا به شهر بیایم. حضرت فرمود: شب بیست و سوم به مدینه داخل شو. (۶۰)

امام صادق علیه السلام در حالی که بیمار بودند، خواستند که شب بیست و سوم ایشان را به مسجد ببرند (۶۱) و حضرت زهرا علیها السلام در این شب، با پاشیدن آب به صورت بچه‌ها، مانع خواب آنها می‌شدند. (۶۲)

در روایات آمده است که دهه آخر ماه رمضان، پیامبر بستر خواب خود را جمع نموده و ده شب را احیا می‌داشت. (۶۳)

■ در حدیثی طولانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که حضرت موسی علیه السلام به خدا عرض کرد: خدایا مقام قربت را خواهانم. پاسخ آمد: «قُرْبِي لِمَنْ اسْتَيْقَظَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»، قرب من، در بیداری شب قدر است.

عرضه داشت: پروردگارا، رحمتت را خواستارم. پاسخ آمد: «رَحْمَتِي لِمَنْ رَحِمَ الْمَسَاكِينَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»، رحمت من در ترحم بر مساکین در شب قدر است.

گفت: خدایا، جواز عبور از صراط می‌خواهم. پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»، رمز عبور از صراط، صدقه در شب قدر است.

عرض کرد: خدایا بهشت و نعمت‌های آن را می‌طلبم. پاسخ

آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحًا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، دستیابی به آن، در گرو تسبیح گفتن در شب قدر است. عرضه داشت: پروردگارا، خواهان نجات از آتش دوزخم. پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، رمز نجات از دوزخ، استغفار در شب قدر است.

در پایان گفت: خدایا رضای تو را می‌طلبم. پاسخ آمد: «رِضَايَ لِمَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، کسی مشمول رضای من است که در شب قدر، نماز بگذارد. (۶۴)

■ از وقایع عجیب تاریخی، ضربت خوردن حضرت علی عليه السلام در شب قدر، در محراب عبادت و به هنگام نماز است. آری، اشرف خلق خدا، در اشرف مکان‌ها و اشرف زمان‌ها، در اشرف حالات، شهید شد.

■ شب جایگاه ویژه‌ای در مسائل معنوی دارد که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

خداوند برای اهدای تورات، حضرت موسی را به مناجات شبانه فراخواند: ﴿ارْبَعِينَ لَيْلَةً﴾ (۶۵)

قرآن، زمان مناسب برای استغفار را، هنگام سحر می‌داند: ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (۶۶)

عروج پیامبر به آسمان، به هنگام شب بود. ﴿أَسْرَى بَعْبُدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ (۶۷)

پیامبر مأمور بود که مناجات و عبادات شبانه داشته باشد. ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ﴾ (۶۸)، ﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (۶۹)

خداوند از عابدان در شب ستایش می‌کند. ﴿يَتْلُونَ آيَاتِ

اللَّهُ اِنَاءَ الْاَيْلِ ﴿٧٠﴾ و به تسبیح در شب سفارش می‌کند.

﴿فَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ (٧١)

خداوند در قرآن، به زمان طلوع فجر و هنگام عصر یک بار سوگند یاد کرده است، ولی به هنگام سحر سه بار. ﴿و الْاَيْلِ اِذَا عَسَعَسَ﴾ (٧٢)، ﴿و الْاَيْلِ اِذَا اَدْبَرَ﴾ (٧٣)، ﴿و الْاَيْلِ اِذَا يَسَرَ﴾ (٧٤)

■ طول شب قدر، یک شب کامل کره زمین است که ۲۴ ساعت می‌شود، نه آنکه مخصوص مکان خاصی همچون مکه و آن هم به میزان ۸ ساعت شب آن منطقه باشد. چنانکه مراد از روز عید فطر، یک روز کامل کره زمین است که شامل همه نقاط و مناطق می‌شود.

■ تقارن شب تقدیر بشر با شب نزول قرآن، شاید رمز آن باشد که سرنوشت بشر، وابسته به قرآن است. اگر پیرو قرآن باشد، سعادت و رستگاری و اگر دور از قرآن باشد، شقاوت و بدبختی برای او رقم می‌خورد.

■ ابوذری می‌گوید: به رسول خدا عرضه داشتیم آیا شب قدر در عهد انبیا بوده و امر بر آنان نازل می‌شده و پس از آنکه از دنیا می‌رفتند، نزول امر در آن شب تعطیل می‌شده است؟ حضرت فرمودند: شب قدر تا قیامت هست. (٧٥)

■ شاید رمز اینکه شب قدر مخفی است، آن باشد که مردم شب‌های متعدد را به عبادت بپردازند، کسانی که یک شب آنرا درک کردند مغرور نشوند و کسانی که آنرا درک نکردند، از باقی شب‌ها مأیوس نشوند.

■ در روایات آمده است: «العمل الصالح فيها خير من العمل

فی الف شهر لیس فیها لیلة القدر»^(۷۶) کار نیک در شب قدر، بهتر از کار نیک در هزار ماه بدون شب قدر است.

پیام‌ها:

۱- برای امور مقدّس، زمان مقدّس انتخاب کنید. ﴿لیلة

القدر خیر من الف شهر﴾

۲- زمان‌ها یکسان نیست، بعضی زمان‌ها بر بعضی

دیگر برتری دارد. ﴿لیلة القدر خیر من الف شهر﴾

﴿۴﴾ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان

برای انجام هر کاری فرود آیند.

نکته‌ها:

■ از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا روح همان جبرئیل است؟

فرمود: جبرئیل از ملائکه است و روح برتر از ملائکه است.

سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ

الرُّوحُ...﴾^(۷۷)

■ با نزول فرشتگان بر قلب پیامبر و امام معصوم در شب قدر،

ارتباط زمین با آسمان، مُلک با ملکوت و طبیعت با ماوراء

طبیعت برقرار می‌شود.

■ روح انواعی دارد:

- روحی که منشأ تمایلات و شهوات است.

- روحی که منشأ قدرت و حرکات است. این دو روح، مشترک

میان انسان و حیوان است.

- روحی که منشأ اختیار و اندیشه است، که این روح مختص انسان است.

- روحی که عقل محض است و جوهر وجودی فرشتگان را تشکیل می‌دهد.

- روحی که برتر از فرشتگان است و شب قدر همراه آنان به زمین نازل می‌شود.

□ در روایات آمده است که با منکران امامت، با سوره قدر احتجاج کنید.^(۷۸) زیرا بر اساس این سوره، فرشتگان هر سال در شب قدر نازل می‌شوند. در زمان حیات پیامبر بر وجود شریف حضرتش وارد می‌شدند. پس از آن حضرت بر چه کسانی نازل می‌شوند؟

روشن است که هر کسی نمی‌تواند میزبان فرشتگان الهی باشد و باید او همچون پیامبر، معصوم بوده و ولایت امور بشر به عهده او باشد و او کسی جز امام معصوم نیست که در زمان ما، حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و فرشتگان در شب قدر شرفیاب محضرش می‌شوند.

نگاهی به فرشتگان در قرآن^(۷۹)

فرشتگان، کارگزاران نظام هستی و مأمور انجام فرامین خداوند در اداره امور هستند. در قرآن برای هر دسته از فرشتگان مأموریت و نقش خاصی تعیین شده است و با همان مأموریت نام‌گذاری شده‌اند: ﴿النَّازِعَاتُ﴾^(۸۰)، ﴿الصَّافَاتُ﴾^(۸۱)، ﴿الزَّاجِرَاتُ﴾^(۸۲)، ﴿النَّاشِرَاتُ﴾^(۸۳)، ﴿الْفَارِقَاتُ﴾^(۸۴)، ﴿الْمُدَبِّرَاتُ﴾^(۸۵)

برخی فرشتگان برای حفاظت گماشته شده‌اند. ﴿انّ علیکم لحافظین﴾^(۸۶)

بعضی فرشتگان با اولیای الهی گفتگو دارند. با زکریّا سخن گفتند و او را به فرزندی به نام یحیی بشارت دادند ﴿ناده الملائکة﴾^(۸۷) و همین فرشتگان با حضرت مریم گفتگو کردند. ﴿اذ قالت الملائکة یا مریم﴾^(۸۸)

در مواردی، سخن از امداد فرشتگان به رزمندگان در جبهه‌های جنگ به میان آمده است. چنانکه در جنگ بدر، خداوند سه هزار فرشته را به یاری مسلمانان فرستاد. ﴿یدکم ربکم بثلاثة الالف من الملائکة﴾^(۸۹)

برخی فرشتگان مسئول گرفتن جان مردم هستند. ﴿یتوقاکم ملک الموت﴾^(۹۰) و دسته‌ای دیگر، مسئول امور عرش. ﴿یحمل عرش ربک﴾^(۹۱)

از امتیازات فرشتگان، عبادت دائمی و خستگی‌ناپذیر آنهاست که قرآن می‌فرماید: ﴿و من عنده لایستکبرون عن عبادته و لا یتحسرون﴾^(۹۲)، ﴿یسبّحون الیل و النهار لایفترون﴾^(۹۳)

از وظایف دیگر فرشتگان، دعا و استغفار برای مؤمنین ﴿یستغفرون لمن فی الارض﴾^(۹۴) و صلوات بر پیامبر اسلام است. ﴿انّ الله و ملائکته یصلون علی النبی﴾^(۹۵)

فرشتگان درجاتی دارند و همه در یک سطح و مقام نیستند. ﴿ما منّا الاّ له مقام معلوم﴾^(۹۶) خداوند، همان گونه که بعضی از انبیا را بر برخی دیگر برتری داده، از میان فرشتگان نیز بعضی را برگزیده است. ﴿الله یصطفی من

قدرت تمام فرشتگان یکسان نیست و ظرفیت‌های متفاوتی دارند. ﴿اولی أجنحة مثی و ثلث و رباع﴾^(٩٨) بعضی فرمانبرند و بعضی فرمانده، ولی همه معصوم و امین. ﴿مطاع یم امین﴾^(٩٩)

ایمان به همه فرشتگان لازم است، ﴿کل آمن بالله و ملائکته﴾^(١٠٠) و انکار آنان در کنار انکار خداوند آمده است. ﴿و من یکفر بالله و ملائکته﴾^(١٠١)

فرشتگان، لشکر الهی هستند و تعدادشان را جز خداوند هیچ کس نمی‌داند. ﴿و ما یعلم جنود ربک الا هو﴾^(١٠٢) و اگر گاهی سخن از تعداد به ظاهر اندک آنان است، نظیر آیه ﴿علیها تسعة عشر﴾^(١٠٣) که می‌فرماید: مأموران دوزخ نوزده نفرند، دلایل دیگری دارد، نه آنکه به خاطر نداشتن نیرو باشد.

فرشتگان، اطاعت مطلق از خداوند دارند و هر چه را مأمور شوند انجام می‌دهند و هرگز نافرمانی ندارند. ﴿لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یأمرون﴾^(١٠٤)

آنان بر فرمان خداوند پیشی نمی‌گیرند و فقط فرمان او را عمل می‌کنند. ﴿لا یسبِقونه بالقول و هم بامرهم یعملون﴾^(١٠٥)

اطاعت آنان آگاهانه و بر اساس تقوای الهی است و در اطاعت، کار خاصی راگزینش نمی‌کنند، بلکه هر کاری که به آنان محوّل شود انجام می‌دهند. ﴿یحافون ربهم من فوقهم و یفعلون ما یأمرون﴾^(١٠٦)

□ پیامبر اسلام فرمود: آفرینش فرشتگان، همه از نور است. «انّ الله عزّ و جلّ خلق الملائكة من النّور»^(۱۰۷) و خداوند هیچ موجودی را به اندازه فرشتگان نیافریده است. «ما من شیء مما خلق الله اکثر من الملائكة»^(۱۰۸)

□ امام صادق علیه السلام فرمود: فرشتگان، اهل خوردن و آشامیدن و آمیزش جنسی نیستند. «انّ الملائكة لا یأكلون و لا یشربون و لا ینکحون»^(۱۰۹)

پیام‌ها:

۱. فرشتگان بدون اذن خداوند کاری انجام نمی‌دهند.
﴿تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ... بِإِذْنِ رَبِّهِمْ﴾
۲. تقدیر امور در شب قدر، با نزول و حضور فرشتگان صورت می‌گیرد. ﴿تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ... مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾
۳. تقدیر امور در شب قدر، گوشه‌ای از ربوبیت الهی است. ﴿بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾

﴿۵﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

(آن شب) تا طلوع فجر، (سراسر) سلام و درود است.

نکته‌ها:

- «سلام»، یکی از نام‌های خداوند در قرآن است. ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ...﴾^(۱۱۰)
- مراد از «سلام» در این آیه، لطف و عنایت ویژه الهی نسبت به بندگان در شب قدر است که سلامت و رحمت و برکت را به دنبال دارد و باب نعمت و عذاب را می‌بندد، زیرا کید و

وسوسه شیطان در آن شب مؤثر واقع نشود. (۱۱۱)

■ در شب قدر، فرشتگان به زمین نازل می‌شوند و بر هر مرد و زنی که در حال عبادت باشند، سلام می‌کنند. (۱۱۲) چنانکه در قیامت نیز با گفتن سلام به استقبال بهشتیان می‌روند: ﴿سلام علیکم طیبم فادخلوها خالدين﴾ (۱۱۳)

پیام‌ها:

۱- شب قدر، شب سلامت فکر و روح آدمی و تعالی به سوی خداوند سلام است. ﴿سلام هی حتی مطلع الفجر﴾

۲- شب قدر، شب رحمت است و می‌توان با توبه، الطاف خداوند را به خود جلب کرد. ﴿سلام هی حتی مطلع الفجر﴾

۳- تقدیر امور از سوی خداوند، بر اساس سعادت بشر است، مگر آنکه او خود جز این بخواهد. ﴿سلام هی حتی مطلع الفجر﴾

«والحمد لله رب العالمین»

پی نوشت‌ها

۱. سوره قصص، آیه ۴۹.
۲. سوره هود، آیه ۱۳.
۳. سوره بقره، آیه ۲۳.
۴. تفسیر نور الثقلین.
۵. سوره انبیاء، آیه ۹۲.
۶. سوره مؤمنون، آیه ۵۲.
۷. سوره طه، آیه ۱۴.
۸. سوره حجر، آیه ۴۹.
۹. سوره بقره، آیه ۱۸۶.
۱۰. سوره مؤمنون، آیه ۱۸.
۱۱. سوره نحل، آیه ۵۹.
۱۲. سوره حج، آیه ۳۸.
۱۳. سوره حجر، آیه ۶.
۱۴. سوره قلم، آیه ۲.
۱۵. سوره رعد، آیه ۴۳.
۱۶. سوره یس، آیه ۳.
۱۷. سوره صافات، آیه ۳۶.
۱۸. سوره یس، آیه ۶۹.
۱۹. سوره فرقان، آیه ۷.
۲۰. سوره فرقان، آیه ۲۰.
۲۱. سوره انعام، آیه ۱۶۴.
۲۲. سوره ناس، آیه ۱.

٢٣. سورة بقره، آيه ١٤٤.
٢٤. سورة قيامت، آيه ١٦.
٢٥. سورة حجر، آيه ٨٨.
٢٦. سورة اسراء، آيه ٢٩.
٢٧. سورة اسراء، آيه ٢٩.
٢٨. سورة اعراف، آيه ٢.
٢٩. سورة ضحى، آيه ٣.
٣٠. سورة طه، آيه ١١٤.
٣١. سورة قلم، آيه ٤.
٣٢. سورة طه، آيه ٢.
٣٣. سورة توبه، آيه ٣٣.
٣٤. سورة ضحى، آيه ٥.
٣٥. سورة آل عمران، آيه ١٩٧.
٣٦. سورة انفال، آيه ٦٧.
٣٧. سورة توبه، آيه ٥٥.
٣٨. سورة انعام، آيه ٦٨.
٣٩. سورة بقره، آيه ١٣.
٤٠. سورة غاشيه، آيه ١٧.
٤١. سورة تكوير، آيه ٤.
٤٢. سورة حج، آيه ٣٦.
٤٣. تفسير مجمع البيان.
٤٤. سورة شعراء، آيه ٦٣.
٤٥. سورة بقره، آيه ٦٠.
٤٦. سورة ضحى، آيه ٥.
٤٧. وسائل الشيعه، ج ٦، ص ٧٩.
٤٨. تفسير نور الثقلين.
٤٩. تفسير الميزان.
٥٠. سورة بقره، آيه ١٨٥.
٥١. وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٦٠.
٥٢. سورة انعام، آيه ٩١.
٥٣. سورة طه، آيه ٤٠.
٥٤. سورة طلاق، آيه ٧.
٥٥. سورة حجر، آيه ٢١.
٥٦. سورة مؤمنون، آيه ١٨.
٥٧. سورة رعد، آيه ٨.

۵۸. سوره الرّ حمن، آیه ۵.
 ۵۹. سوره دخان، آیه ۴.
 ۶۰. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۰۷.
 ۶۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۶۹.
 ۶۲. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۰.
 ۶۳. تفسیر مجمع البیان.
 ۶۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۰.
 ۶۵. سوره بقره، آیه ۵۱.
 ۶۶. سوره ذاریات، آیه ۱۸.
 ۶۷. سوره اسراء، آیه ۱.
 ۶۸. سوره اسراء، آیه ۷۹.
 ۶۹. سوره مزمل، آیه ۲.
 ۷۰. سوره آل عمران، آیه ۱۱۳.
 ۷۱. سوره انسان، آیه ۲۶.
 ۷۲. سوره تکویر، آیه ۱۷.
 ۷۳. سوره مدثر، آیه ۳۳.
 ۷۴. سوره فجر، آیه ۴.
 ۷۵. تفسیر برهان.
 ۷۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸.
 ۷۷. تفسیر برهان.
 ۷۸. تفسیر نور الثقلین.
 ۷۹. در نهج البلاغه، خطبه ۱ و ۹۱ درباره ملائکه مطالبی آمده است.
 ۸۰. سوره نازعات، آیه ۱.
 ۸۱. سوره صافات، آیه ۱.
 ۸۲. سوره صافات، آیه ۲.
 ۸۳. سوره مرسلات، آیه ۳.
 ۸۴. سوره مرسلات، آیه ۴.
 ۸۵. سوره نازعات، آیه ۵.
 ۸۶. سوره انفطار، آیه ۱۰.
 ۸۷. سوره آل عمران، آیه ۳۹.
 ۸۸. سوره آل عمران، آیه ۴۲.
 ۸۹. سوره آل عمران، آیه ۱۲۴.
 ۹۰. سوره سجده، آیه ۱۱.
 ۹۱. سوره حاقّه، آیه ۱۷.

٩٢. سورة سجده، آيه ١٥.
٩٣. سورة انبياء، آيه ٢٠.
٩٤. سورة شورى، آيه ٥.
٩٥. سورة احزاب، آيه ٥٦.
٩٦. سورة صافات، آيه ١٦٤.
٩٧. سورة حج، آيه ٧٥.
٩٨. سورة فاطر، آيه ٢.
٩٩. سورة تكوير، آيه ٢١.
١٠٠. سورة بقره، آيه ٢٨٥.
١٠١. سورة نساء، آيه ١٣٦.
١٠٢. سورة مدثر، آيه ٣١.
١٠٣. سورة مدثر، آيه ٣٠.
١٠٤. سورة تحريم، آيه ٦.
١٠٥. سورة انبياء، آيه ٢٧.
١٠٦. سورة نحل، آيه ٥٠.
١٠٧. اختصاص، ص ١٠٩.
١٠٨. تفسير قمى، ج ٢، ص ٢٦٠.
١٠٩. بحار الانوار، ج ٥٦، ص ١٧٤.
١١٠. سورة حشر، آيه ٢٣.
١١١. تفسير الميزان.
١١٢. تفسير مجمع البيان.
١١٣. سورة زمر، آيه ٧٣.